

میشل فوکو

نظم گفتار

درس افتتاحی در گِلِز دو فرانس

دوم دسامبر ۱۹۷۰

ترجمه‌ی

باقر پرهام



This is a Persian translation of
L'ordre du discours
by Michel Foucault
Gallimard, Paris, 1971
Translated by Bâgher Parhâm

سرشناسه: فوکو، میشل ۱۹۲۶-۱۹۸۴ م. Foucault, Michel
عنوان و نام پدیدآور: نظم گفتار: درس افتتاحی در کلژ دو فرانس، دوم دسامبر ۱۹۷۰ / میشل فوکو؛ ترجمه‌ی باقر پرهام.

مشخصات نشر: تهران: سپهر خرد، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۸۲ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک: 978-600-97537-7-2

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: این کتاب در سال‌های قبل توسط انتشارات آگاه به چاپ رسیده است.
یادداشت: نمایه

موضوع: گفتمان
موضوع: Discourse analysis

موضوع: شناسایی (فلسفه)
موضوع: Knowledge, Theory
موضوع: گفتار

موضوع: Learning and scholarship
موضوع: شناسایی

ترجمه: پرهام، باقر، ۱۳۱۳ - مترجم
رده‌بندی کنگره: ۶۰۹۸ / B ۲۳۳

رده‌بندی دیویی: ۱۳۹/۹۱
شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۳۰۱۱۵



میسل فوکو
نظم گفتار

درس افتتاحی در کلژ دو فرانس
ترجمه باقر پرهام

(صفحه‌آرا: سمیه حسینی؛ نمونه‌خوان: کاوه پرهام)

چاپ یکم پاییز ۱۳۹۸؛ آماده‌سازی، حروف‌نگاری و نظارت بر چاپ: دفتر نشر سپهر خرد

طراح جلد: محمودرضا لطیفی

چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان

شمارگان: ۳۳۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

نشر سپهر خرد
SepehrehKheradpub@gmail.com

مرکز فروش و بخش: مؤسسه انتشارات آگاه
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۶۷۳۳۳

فروش اینترنتی: www.agahbookshop.com
قیمت: ۱۲,۰۰۰ تومان

مقدمه مترجم

روز ۲ دسامبر ۱۹۷۰، کارتیه لاتر^۱، رپاریس، چهره‌ای استثنایی داشت: چندصد متر دورتر از سوربن^۲، در سالن مفهومی بزرگ کلژ دو فرانس^۳، که از مراکز علمی بزرگ جهان و مایه انخار فرانسه است، صدها نفر^۴

۱. (Quartier latin)، نام بخشی از پاریس واقع در ساحل غربی سن (Seine) که بولوار سن میشل (Saint-Michel) و دانشگاه پاریس (La Sorbonne) در مرکز آن قرار دارند.

۲. کلژ سوربن (Collège de Sorbon) در قرن سیزدهم (۱۲۵۷ میلادی) تأسیس گردیده، بعدها به سوربن (La Sorbonne) یا دانشکده الهیات پاریس و سرانجام به دانشگاه فعلی تبدیل شده است که علاوه بر دانشکده‌های الهیات و علوم مرکز اداری آکادمی پاریس نیز هست.

۳. (Collège de France)، مؤسسه‌ای که در عهد فرانسوای اول، پادشاه فرانسه، در ۱۵۳۰ میلادی تأسیس شده است.

۴. از جمله کسانی چون ژرژ دومزیل (G. Dumézil)، کلود لهوی-استروس (C. Lévi-Strauss)، فرناند برودل (F. Braudel)، فرانسوا ژاکوب (F. Jacob) و ژیل دولوز (G. Deleuze).

جمع شده بودند تا به سخنان مردی گوش دهد که در که در ۴۴ سالگی به جانشینی یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین استادان فلسفه در فرانسه، در قرن بیستم، یعنی ژان هیپولیت^۱، برگزیده شده بود. مرد ۴۴ ساله پشت میز خطابه، که درس افتتاحی^۲ اش در کلو دوفرانس آن جمعیت انبوه را در آن روز گرد هم آورده بود، کسی جز میشل فوکو نبود، و آن‌چه وی در آن روز خطاب به حضار آن مجلس بیان کرد و مناسبت آن مین کتاب کوچک ولی بسیار پراهمیتی است که در دست مطالب دارد. استثنایی بودنِ چهره آن روز کارتیهِ لاتن نیز، اگرچه به ظاهر ربطی به فوکو نداشت، در حقیقت، به شخصیت وی و به ویژگی‌های اوضاع فرانسه در آن سال‌ها بی‌ارتباط هم نبود.

پایان دهه ۱۹۶۰ و آغاز دهه ۱۹۷۰ از سال‌های پرتب‌وتاب در فرانسه بود: موجِ عصبانیت‌ها، نخست، دانشجویی و سپس کارگری و عمومی، که فرانسه را تا آستانه انقلاب پیش برد، به استعفای ژنرال دوگل از ریاست دولت، و سرانجام، به تغییراتی مهم در جامعه فرانسه، به‌ویژه در سطوح فرهنگی و دانشگاهی، انجامید، هنوز به کلی آرام نگرفته بود. در کشور کنار پاریس، به‌ویژه در اطراف مراکز فرهنگی و دانشگاهی (پاریس^۳، نانتر^۴، بولوار سن میشل و کارتیهِ لاتن)، اغلب تظاهرات و گردهمایی‌های اعتراض‌آمیزی برپا می‌شد که در آن‌ها، علاوه بر دانشجویان، چهره‌های سرشناسی از استادان و روشن‌فکران رده بالای فرانسه

1. Jean Hyppolite

2. Cours inaugural

3. Vincennes

4. Nanterre

هم دیده می‌شدند. سخنران روز ۲ دسامبر ۱۹۷۰ در آمفی‌تئاتر کلژ دو فرانس یکی از همین استادان و روشن‌فکران به‌نام فرانسه بود که در اغلب تظاهرات اعتراض‌آمیز آن سال‌ها حضور فعال داشت. برای همین بود که کارتیۀ لاتن در آن روز ۲ دسامبر ۱۹۷۰ چهره‌حایی داشت که گویی حکومت نظامی در آن اعلام شده است: همه کسانی که برای شنیدن سخنان میشل فوکو راهی محل سخنرانی بودند مجبور شدند بارها از سدّ مأموران پلیس و کماندوهای کوره‌خودبه‌سر و چماق‌به‌دست CRS، که اغلب گذرها و کوچه‌های مرا را د آورده بودند، بگذرند.^۱

آشنایی ایرانیان با نام و گوشه‌ای از اندیشه‌های میشل فوکو، تا آن‌جا که من به خاطر دارم، پیش از انقلاب برمی‌گردد: در آخرین روزهای نظام سلطنتی، در کرمان مبارزات مردم ما بر ضد استبداد آن نظام، میشل فوکو به ایران آمد. نشاننده این سطور، که آن روزها سرگرم فعالیت در کانون‌نویسندگان ایران بود، مصاحبه کوتاهی با وی انجام داد که ترجمه‌اش در شماره اول نامه کانون نویسندگان ایران، بهار ۱۳۵۷، منتشر شد. از آن زمان تا امروز که فوکو، به‌دنبال معروفیت‌اش در کشور خویش و شهرت جهانی‌اش به‌ویژه در امریکا، برای اهل فرهنگ در ایران به نامی بسیار آشنا تبدیل شده است، از هزاران صفحه‌ای که او در طول زندگانی کوتاه

1. Didier Eribon, Michel Foucault, *Champs-Flammarion*, Paris, 1991, P. 225.

ولی بسیار پربار خویش نوشته، هنوز چیز دندان‌گیری به زبان فارسی منتشر نشده است. اخیراً به آگهی ترجمه برخی از نوشته‌های او در مطبوعات ایران برخورده‌ام، از جمله نوشته کوتاهی با عنوان این که پیپ نیست، و یا یکی از کتاب‌های مهم او با عنوان مراقبت و تنبیه.

اما، اگرچه آثار فوکو به فارسی ترجمه نشده، شهرت او در ایران در زیر عنوان مبحث یا مفهوم دیسکور (به انگلیسی: دیسکورس) غوغایی به پا کرده است: کار به جایی رسیده که گویی میشل فوکو کشف چیزی به نام دیسکور است. و از آن جا که هر کشف تازه‌ای نام و عنوان تازه‌ای هم می‌خواهد، بعضی از هم‌وطنان ما به آن فکر کرده‌اند که واژه تازه‌ساز گفتمان را برای این کشف جدید عمم کنند. ولی آیا به راستی چنین است؟ آیا میشل فوکو چیزی به نام دیسکور کشف کرده است؟ حقیقت این است که میشل فوکو فیلسوف یا تحلیل‌گر فلسفه مفهوم دانش (Savoir) و ساختارهای دانشی، و سرانجام کارهای اجتماعی قدرت است، نه کاشف چیزی به نام دیسکور؛ او در تحلیل مرفولوژیک دانش، به وجود قالب‌های معرفتی بنیادین به نام اپیستمه (épistémé) در هر دوره زمانی، و گسست‌هایی که در این معرفت بر اثر تغییر این قالب‌ها پیش می‌آید، پی می‌برد. میشل فوکو، برای این منظور، از چند مبحث یا زمینه، برای پژوهش‌های خود استفاده کرده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: زبان، علوم طبیعی، و اقتصاد. بررسی میشل فوکو در این زمینه‌ها او را، چنان‌که

گفتیم، به نتیجه واحدی در باب چگونگی تغییر روش برخورد و نگاه آدمی به مسائل در ادوار تاریخی متفاوت رهنمون می‌شود. به عنوان مثال، فوکو با بررسی در زمینه‌های هنری و زبانی از یک سو، و پیشرفت علوم طبیعی و اقتصاد مدرن، از سوی دیگر، در نخستین کتاب مهم خویش پس از رساله معروف تاریخ جنون در عصر کلاسیک، یعنی در کتاب *واژه‌ها و چیزها* (۱۹۶۵)، نشان می‌دهد که بشریت اروپایی از مفهوم نشانه (signe) به عنوان رمزی از جهان، و اشیاء در قرن شانزدهم، که بر ادراک مفهوم جادویی قربت و همانند زانو در اشیاء مبتنی بود، به مفهومی قراردادی از نشانه در عصر کلاسیک می‌رسد، قراردادی که در قالب مفاهیمی دیگر چون *زمان*، در علوم طبیعی، و پول، مبادله، ارزش، و کار، در اقتصاد، در همان عصر کلاسیک همراه است. و فوکو از این‌جا نتیجه می‌گیرد که در فرهنگ، در زمانه معین، همیشه یک اپیستمه یا بنیان معرفتی وجود دارد که شرایط امکان هرگونه دانش را تعیین می‌کند^۱. ضرورت تعیین‌کنندگی و اجباری که در این اپیستمه‌ها وجود دارد فوکو را به مفهوم قدرت (Pouvoir) و کارکردهای اجتماعی آن رهنمون می‌شود، راوی و بساطی مرفولوژی قوالب، تقسیم‌بندی‌ها، و محدودیت‌ها، در زمینه‌های پژوهشی معینی چون زبان، پزشکی و روش‌های برخورد با بیماری‌های روانی و مداوای آن‌ها، شیوه‌های مراقبت و مجازات

1. Michel Foucault, *Les mots et les choses*, Gallimard, Paris, 1965, P. 7279.

در نظم سیاسی-اجتماعی، و بالأخره، روابط جنسی و تحولات آن‌ها در طول تاریخ، نشان می‌دهد که تاروپود زندگانی اجتماعی بشر در همه این زمینه‌ها با قدرت آمیخته است، و همراه با تحولات قدرت است که ساخت‌ها و ساختارهای روابط بشری در زمینه‌های یادشده نیز تغییر می‌کنند. همین کتاب کوچکی که در دست دارید نمونه‌ای از این‌گونه تحلیل‌هاست. این کتاب به روشنی نشان می‌دهد که بحث فوکو در زمینه دیسکور، چنان‌که گفتیم، فقط بحث است در زمینه زبان، سخن و گفتار به معنای موجود کلمه برای نشان دادن ادراک کرد شکل‌دهنده، قالب‌ساز و تقسیم‌آفرین گفتار، به عنوان یکی از زمینه‌های بروز و تحقق پدیده قدرت. نه زبان و گفتاری که از آن سخن می‌رود پدیده‌ای است جدید و بی‌سابقه، و نه کاربرد تقسیم‌آفرین و قالب‌دهنده قدرت در این زمینه امری است که تازه‌گم داشته باشد؛ زبان و گفتار، و کارکرد تقسیم‌آفرین و قالب‌دهنده آن‌ها، برخلاف تصور بعضی از ما، «حاصل کوشش عظیم ذهن اروپایی در سده پنجاه سال اخیر» نیست، و «از آمیزش دست‌آوردهای فلسفه، ادبیات، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و زبان‌شناسی در ذهن چند تن از درخشان‌ترین فیلسوفان و خبرگان علوم انسانی مدرن» هم پدید آمده است، بلکه، به عقیده فوکو در همین کتاب، سرآغاز این مسائل دو هزار و چهارصد سال پیش، یعنی به زمان افلاطون، برمی‌گردد. آن‌چه تازه‌گی دارد نفس زبان یا پدیده گفتار نیست که ما ناگزیر باشیم واژه تازه‌ای برای آن بسازیم؛ کشف این مسئله است که زبان و گفتار

حامل نظامی اجتماعی است که خود را برگزیده تحمیل می‌کند،
نظامی همانند نظم موجود در دیگر زمینه‌ها (علوم، اقتصاد، ...)، که
حاصل کارکرد اجتماعی قدرت است.

امیدوارم این ترجمه، و ترجمه‌های دیگر از آثار فوکو که
خبرش را می‌شنویم، زمینه را برای یک نگاه سالم و عاری از
سندها و غرض‌های شخصی از اندیشه‌های میشل فوکو فراهم
سازد و به ما ایرانیان این فرصت را بدهد که با مطالعه آثار و
نوشته‌های فوکو با دیدگاه‌های او در روندی طبیعی - چنان‌که در
نوشته‌های خود اشاره می‌کند - آشنا شویم.

باقر پرهام

تهران، ۲۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۸